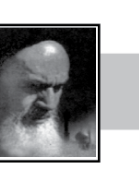

درمکتب امام

صلح حسن(ع) همتراز قیام حسین(ع)

حضرت امام حسن قیام کرد تا آن وقتی که می‌توانست. وقتی که یک دسته علاف نگذاشتند که کار را انجام بدهد، با آن شرایط صلح کرد که مفتضح کرد معاویه را. آن‌قدری که حضرت امام‌حسن معاویه را مفتضح کرد به همان قدر بود که سیدالشهدا یزید را مفتضح کرد.

صحیفه امام؛ ج۲؛ ص۳۷۱ | نجف؛ ۱ تیر ۱۳۵۰

کربلا؛ افتخار جهانی

زینب کبری(س) بعد از آن گفتگو و محکوم کردن ابن زیاد در دار الإماره کوفه، وقتی آن شخصِ برای زخم زبان به وجود مبارک زینب کبری(س) گفت: «کَیْفَ رَأَیْتِ صُنْعَ اللهِ بِأَهْلِ بَیْتِکِ» کاری که خدا با برادرت کرد را چگونه دیدی؟ که این کار را کار الهی دانست نه کار شیطانی، حضرت فرمود: «مَا رَأَیْتُ إِلّا جَمِیلاً»(۱) به ما خیلی خوش گذشت، ما غیر از زیبایی چیزی دیگر ندیدیم.

او در آن گفتگوی رسمی هیچ گریه و هیچ اظهار ناله‌ای نکرد. این «مَا رَأَیْتُ إِلّا جَمِیلا»؛ یعنی خیلی زیباست! چون حصر است؛ یعنی خیلی خوش گذشت به ما! زینب کبری طبق بیان نورانی امام سجاد(س) عالمه غیر معلمه بود که حضرت می‌فرمود: «أَنْتِ بِحَمْدِ اللهِ عَالِمَةٌ غَیْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهِمَةٌ غَیْرُ مُفَهَّمَةٍ»؛(۲) یعنی تو جزو نگاران مکتب‌نرفته‌ای هستی که عالم شدی؛ یعنی نزد کسی درس نخواندی؛ اما همه چیز می‌دانی. این را امام زمانش نسبت به زینب کبری فرمود. این بانو که عقلیه بنی‌هاشم است، وقتی بفرماید به ما خیلی خوش گذشت، معلوم می‌شود ریشه قرآنی دارد. این اصل اول که چگونه کربلا زیباست؟

مبنای قرآنی مَا رَأَیْتُ إِلّا جَمِیلا

ریشه قرآنی بیان نورانی زینب کبری آیه سوره مبارکه «آل‌عمران» است. در سوره «بقره» فرمود: مبادا یک وقت درباره شهید بگویید مُرد، بگویید رحلت کرد، سفر کرد: (وَ لاَ تَقُولُوا لِمَن یُقْتَلُ فِی سَبِیلِ اللهِ أَمْوَاتٌ)،(۳) دیگران می‌میرند بگویید مُرد، عیب ندارد؛ اما درباره شهید نگویید مُرد. بگویید به مقصد رسید. این نهی‌ای است که ذات اقدس اله در سوره «بقره» به ما فرمود، چرا؟ برای اینکه دیگران می‌میرند و نمی‌دانند که کجا می‌روند! اینکه در قبر تلقین می‌کنیم «أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ»؛(۴) یعنی یک حادثه‌ای برای تو پیش آمد،در یک صحنه‌ای رفتی، الآن نمی‌دانی کجایی؛ ولی بدان این مرگ است ما هم می‌میریم، ولی نگران نباش، رحمت الهی زیاد است و مانند آن. اما درباره شهید فرمود: نگویید مرده است، زنده‌اند، از شما زنده‌تر هستند. وقتی از شما زنده‌ترند و بفهم‌ترند چرا می‌گویید مرده‌اند؟

در سوره «آل‌عمران» می‌فرماید حالا که مرده نیستند، پس زنده هستند چکار می‌کنند؟ فرمود: (فَرِحینَ بِما آتاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ)؛(۵) فرمود حسین بن علی عصر عاشورا خوشحال خوشحال بود، چون به مقصد رسید، مهمان الهی شد. آنجا که جای رنج نیست.

نهضت سیدالشهداء(ع)، الهام بخش ظلم‌ستیزی

زینب کبری(س) از حسین بن علی با خبر است که خیلی به حسین به علی خوش می‌گذرد در آنجا، چون به مقصد رسیده است، به وظیفه‌اش عمل کرده و عده‌ای را إلی یوم القیامة هدایت کرده است، جلوی خیلی از فسادها را گرفته، حکومت‌های ظالم را سرنگون کرده. انقلاب‌ها مخصوصاً انقلاب اسلامی محصول این است، آن راهپیمایی‌های چهارگانه تاسوعا و عاشورا و اربعین و ۲۸ صفر کار پهلوی را ساخت. این هشت سال دفاع، بلکه ده سال، نه هشت سال، چون دو سال جنگ داخلی بود؛تمام این ده سال را این آیات نورانی کربلا اداره کرد. اینکه امام(رض) فرمود: خون بر شمشیر پیروز است، این را ایشان از کجا گفته؟ زینب کبری فرمود ما پیروز شدیم. ما بنا شد جامعه را هدایت کنیم که بشر زیر بار ظلم نرود و نمی‌رود. شما هند می‌روید همین جریان کربلاست، غرب می‌روید همین‌طور است، شرق می‌روید همین است. می‌گویید ما زیر بار ظلم نمی‌رویم. وجود مبارک سالار شهیدان که نفرمود من بیعت نمی‌کنم. فرمود:«مِثْلِی لَا یُبَایِعُ مِثْلَ یزید بن معاویة»؛(۶)هر کسی مثل من که آزادانه و آزاداندیش است، زیر بار ظلم نمی‌رود. این فکر زنده است. نفرمود «أنا لا أبایع»، نفرمود من بیعت نمی‌کنم؛ فرمود هر کس حسینی فکر می‌کند، زیر بار ظلم نمی‌رود؛ چه آمریکا، چه صهیونیسم، چه دیگری. هر کسی حسینی فکر می‌کند؛ این بیان زنده است. این بیان به ایران و امام و شهدا و شهدای محراب شرف داد.

در آیه سوره مبارکه «آل‌عمران» دارد: (فَرِحینَ)، خدا می‌فرماید اینها خوشحالند، به مقصد رسیده‌اند؛ هم وظیفه خودشان را ادا کردند هم میلیاردها بشر را إلی یوم القیامه به مقصد راهنمایی کردند و هم آنجا در بهشتند و برای آنها رنجی و سؤال قبر و اینها نیست.

زینب کبری(س) هم از آیه سوره «آل‌عمران» با خبر است، هم از آنچه به برادرش می‌گذرد با خبر است؛ لذا فرمود: «مَا رَأَیْتُ إِلّا جَمِیلا»، خیلی به ما خوش گذشت. ما وظیفه‌مان را انجام دادیم، میلیاردها بشر را آزاد کردیم، هر کسی هر جا سخن از حرّیت و آزادی دارد شاگرد کربلاست، ما آمدیم با تو مبارزه کردیم، ما زنده‌ایم. البته آن رقّت و عاطفه و اینها سرجایش محفوظ است، تنها که شدند و فاصله که گرفتند آنجا هم حضرت زینب گریه کرد، این درست است از نظر عاطفی، به هر حال چطور می‌شود که آن مصیبت را ببیند و ناله نکند؟ اما در برابر دشمن فرمود خیلی به ما خوش گذشت: «مَا رَأَیْتُ إِلّا جَمِیلا»! این مال مجلس کوفه.

در شام هم که اوضاع را عوض کرد. شام اتاق فکری بود، اتاق جنگی بود، مسیحی‌ها وغیر مسیحی‌ها شرکت کردند، بیگانگان که الان علیه انقلاب تلاش و کوشش می‌کنند، آنجا هم همین‌طور بود. درآنجا تمام تلاششان صرف این بود که بنی‌هاشم را بکوبند، زینب کبری (س) برخاست و سخن کرد. حالا سر مطهر هم در طشت هست، چوب خیزُران، در دست یزید. در میان درختان درخت انجیر چوبش برای ساختمان و زد و خورد و عصا محکم نیست؛ اما چوب درخت گیلاس و درخت‌های دیگر چوبشان خیلی سفت و سخت است که اگر بخواهند تختی درست کنند، عصایی درست کنند از همان درست می‌کنند. خیزُران، نه خیزَران ،یک درختی است که چوبش بسیار سخت و سفت است و در هند روییده می‌شود و از آنجا شاخه‌ها و چوب‌ها را می‌آوردند تا زندانی‌ها را با آن چوب بزنند. این چوب به دست خلیفه‌ها بود. یزید(علیه اللعنة) یک چنین چوبی در دستش بود که دردناک بود. این چوب را به لب و دندان مطهر حضرت می‌زد که صدای یک عده‌ای بلند شد که «اِرْفَعْ قَضِیبَکَ عَنْ هَاتَیْنِ الشَّفَتَیْنِ».(۷) آنجا زینب کبری برخاست و سخنرانی کرد و اوضاع را برگرداند و امام سجاد با اینکه دستش بسته است، با اینکه اسیر است، یک نیش‌زن شامی به قصد بی‌ادبی و نیش‌زدن آمد به پیشگاه امام سجاد و گفت:«مَنْ غَلَبَ» ،چه کسی پیروز شد؟ فرمود ما. گفت چطور شما پیروز شدید با دست بسته آمدید؟ فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَنْ غَلَبَ وَ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَأَذِّنْ ثُمّ أَقِم»؛(۸) وقتی موقع نماز شد، اذان و اقامه می‌گویی در اذان نام چه کسی را می‌بری؟ ما رفتیم نام پیغمبر را زنده کردیم و برگشتیم. اموی و مروانی خواستند این نام را حذف کنند. ما رفتیم پیغمبر را، علی را، اهل‌بیت را، قرآن را زنده کردیم و برگشتیم، پس ما پیروز شدیم.

بنابراین غرض آنها خاموش کردن چراغ دین بود و حسین بن علی این چراغ را روشن کرد، یک؛ خود هم وارد بهشت شد، دو؛ لذا زینب کبری که از هر دو جریان با خبر است، گفت: «مَا رَأَیْتُ إِلّا جَمِیلاً»، خیلی به ما خوش گذشت. ما رفتیم دِینمان را ادا کردیم، میلیون‌ها نفر را هدایت کردیم، انقلاب‌ها به راه انداختیم، هر کسی می‌آید به یاد کربلاست. الآن شما می‌بینید از ساسانی تا پهلوی، این دو هزار و پانصد سالی که می‌گویند مال کوروش و امثال کوروش است ،یک تکه خاک مال اینها در این کشور نمانده است؛ این همه سلاطین آمدند و رفتند. حالا پس‌فردا که اربعین شد، می‌بینید که بیست میلیون آنجا راه‌اندازی می‌شود. اینها را چه کسی راه انداخته است؟ فرمود ما پیروز شدیم؛ لذا خوشحالیم.

پس اینکه زینب کبری(س) فرمود: «مَا رَأَیْتُ إِلّا جَمِیلاً»، برای چیست؟ یعنی به ما خیلی خوش گذشت. دنیای ما تأمین است، آخرت ما تأمین است، برزخ ما تأمین است، بهشت ما تأمین است و برترین و بهترین کارها این است که میلیاردها بشر را ما راه انداختیم. شما هر جا می‌بینید مبارزه علیه ستم است، سخن از کربلاست. این گاندی هند گفت: من از کربلا درس گرفتم. کافر هم اگر بخواهد انقلاب کند و زیر بار ظلم نرود، این می‌گوید من از کربلا یاد گرفتم. این یک فخر جهانی است.

بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی (دام ظله)
در جلسه درس اخلاق: ۹۸/۶/۲۱

مرکز اطلاع رسانی اسرا

۱.مثیر الأحزان، ص۹۰. ۲. بحار الأنوار(ط ـ بیروت)، ج۴۵، ص۱۶۴. ۳. بقره، ۱۵۴. ۴. الکافی(ط ـ الاسلامیة), ج۳, ص۲۰۱؛ زاد المعاد ـ مفتاح الجنان، ص۳۵۳. ۵. آل‌عمران، ۱۶۹ و ۱۷۰. ۶. بحار الأنوار(ط ـ بیروت)، ج۴۴، ص۳۲۵. ۷. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج۲، ص۱۱۵. ۸. الامالی(للطوسی)، ص۶۷۷.

خوان حکمت روزهای یک شنبه منتشر می‌شود.

جزئیات یک پرونده پر حاشیه

وزارت بهداشت: عامل بیماری اهالی روستای «چنار» سرنگ آلوده نبوده است

سرویس اجتماعی-

انتشار خبرهای ضد و نقیضی از ابتلای تعدادی از اهالی یک روستا در روزهای گذشته به ویروس HIV که با حواشی زیادی همراه بود زمینه سوءاستفاده ضدانقلاب را فراهم کرد.

چهارشنبه هفته گذشته بود که ویدیویی با عنوان اعتراض اهالی روستای «چنار محمودی» مقابل فرمانداری لردگان در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد؛ در این ویدیو ادعا شده بود بیش از ۳۰۰ نفر از اهالی روستایی در استان چهارمحال و بختیاری به علت استفاده از سرنگ آلوده توسط بهورز روستا به ویروس HIV آلوده شده‌اند.

پس از انتشار این ویدیو اظهارات ضد و نقیضی درباره علل آلوده شدن برخی از اهالی روستا به ویروس HIV مطرح شد تا اینکه وزارت بهداشت بعدازظهر همان روز ابتلا به HIV به علت استفاده از سرنگ آلوده را تکذیب کرد.

تکذیب ابتلای اهالی روستا به HIV به علت سرنگ آلوده

رئیس‌مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت اظهار داشت: «موضوع ابتلای جمع کثیری از اهالی یک روستا در چهارمحال و بختیاری به ویروس HIV کذب و به دور از حقیقت است و معدودی از اهالی این روستا مبتلا به این عفونت هستند که راه‌های ابتلای آنها کاملا مشخص است و راه انتقال مبتلایان نیز به اطلاع آنها رسیده است.»

محمدمهدی گویا با اشاره به شایعاتی که در مورد ابتلای تعداد زیادی از اهالی یک روستا در استان چهارمحال و بختیاری به ویروس HIV مطرح شده، گفت: «این موضوع کذب و به دور از حقیقت است و از مجاری قانونی، آن را دنبال خواهیم کرد؛ معدودی از اهالی این روستا مبتلا به این عفونت هستند که راه‌های ابتلای آنها کاملا مشخص است و تحت مراقبت و درمان قرار دارند و به هیچ عنوان، انتقال عفونت از طریق آزمایش‌های تشخیصی و... در میان آنها، صحت ندارد.»

ورود قوه قضائیه به ماجرا

علاوه‌بر این دادستانی استان چهارمحال‌وبختیاری خبر از بازداشت بهورز روستای مذکور جهت بررسی‌های بیشتر داد.

احمدرضا بهرامی در رابطه با ادعاهایی مبنی بر آلوده شدن برخی از اهالی یکی از روستاهای شهرستان لردگان به ویروس ایدز اظهار داشت: «ورود و اقدامات قوه قضائیه در این خصوص به موجب قانون و متعاقب شکایت جمعی از شهروندان و گزارش یکی از مراجع اطلاعاتی بوده است.»

رئیس‌کل دادگستری استان چهارمحال و بختیاری افزود: «مضافا متهم پرونده تاکنون اعتراضی به قرار صادره نداشته، ولی تا بررسی دقیق و اخذ نظرات کارشناسی نمی‌توان در مورد موضوع پرونده صراحتا اظهار نمود.»

بهرامی توضیح داد: «در پی شکایت بیش از ۶۰ نفر از اهالی از بهیار خانه بهداشت مبنی بر استفاده از سرنگ آلوده مشترک و ابتلای تعدادی از ساکنین روستا به بیماری HIV در تاریخ ۹۸/۷/۸ و گزارش مراجع اطلاعاتی پرونده قضایی تشکیل شد. این فرد در تاریخ ۹۸/۷/۹ احضار، تفهیم اتهام و قرار وثیقه صادر که نامبرده نه تنها وثیقه را تودیع ننموده بلکه از قاضی رسیدگی‌کننده کتباً در ذیل قرار صادره درخواست می‌کند در بازداشت بماند تا جان وی از تعرضات برخی معترضان در امان باشد.»

ورود قوه قضائیه و بازداشت بهورز روستا مسئله‌ای بود که مورد انتقاد وزیر بهداشت قرار گرفت و نمکی طی نامه‌ای ضمن رسیدگی هرچه سریعتر به این موضوع دلیل ابتلای اهالی روستا را تشریح کرد.

نامه وزیر بهداشت و بیان علت آلودگی اهالی روستا

سعید نمکی طی نامه‌ای به وزیر دادگستری رسیدگی سریع به این موضوع و اعاده حیثیت کارمند نظام بهداشتی درمانی را خواستار شد و تاکید کرده بود: «جهت حفظ شئونات مردم منطقه به نحو کاملا محرمانه موضوع پیگیری و با آزمایشات گسترده موارد جدید ردیابی گشت که متاسفانه کانون آلودگی در معتادان تزریقی و افرادی با روابط نامطلوب شناخته شد؛ آرام و بیصدا این حرکت بیماریابی ادامه داشت تا امروز یکی از مقامات قضائی استان با ورود به موضوع و ابراز مطلب غیرکارشناسانه مبنی بر مقصر بودن بهورز روستا و آلودگی بیماران از طریق سرنگ آلوده توسط وی، اقدام به جلب این نیروی خدوم و زحمت‌کش نمود.»

سرنگ آلوده، عامل شیوع ویروس HIV نبوده است

روز گذشته نیز وزیر بهداشت در حاشیه همایش روز ملی دامپزشکی بار دیگر تاکید کرد که عامل شیوع ویروس سرنگ آلوده نبوده است.

سعید نمکی با بیان این مطلب، اظهار داشت: «متاسفانه چند روز پیش از سوی یکی از مقامات محلی به صورت غیرکارشناسی ادعا شد که سرنگ آلوده عامل شیوع ویروس HIV در این روستا بوده که قطعا با مستندات بسیار دقیق و کارشناسی که داریم باید بگوییم که هرگز چنین اتفاقی رخ نداده است.»

وی تصریح کرد: «متاسفانه بهورز زحمت‌کش و خدوم روستای چنارمحمودی مورد اتهام قرار گرفت و پاسخ ما این است که سرنگ آلوده، عامل شیوع این بیماری نیست و عوامل را شناسایی کرده‌ایم البته مردم شریف و پاکیزه آن منطقه بی‌دلیل و یا از راه‌هایی به این ویروس آلوده شده‌اند که هیچ گناه و تقصیری ندارند. کودکی که از مادر مبتلا به HIV متولد می‌شود، معصوم‌تر از آن است که مورد اتهام قرار گیرد و یا زنی که به شیوه‌ای آلوده شده باشد که شاید اطلاعی از آن نداشته باشد.»

هیچ ابهامی درخصوص راه‌های انتقال بیماری وجود ندارد

علیرضا رئیسی معاون بهداشت وزارت بهداشت نیز در واکنش به این موضوع با صدور بیانیه‌ای آورده است: «راه‌های انتقال همه موارد کامل مشخص است و به اطلاع بیماران رسیده است و از آنجا که جزو حریم خصوصی بیماران است، به هیچ وجه قابل انتشار نیست؛ درخصوص راه‌های انتقال بیماری در آن منطقه هیچ ابهامی وجود ندارد و صراحتا تاکید می‌شود که هیچ اقدام تشخیصی و بهداشتی، واکسیناسیون و... مطلقا عامل انتقال بیماری در منطقه نبوده است.»

وی افزود: «در حال حاضر تیم‌های تخصصی برای ادامه مشاوره و مراقبت و درمان از طرف وزارت بهداشت در منطقه مستقر هستند و درمان موارد شناسایی شده زیر نظر یک فوق‌تخصص در حال انجام است.»

طمع دشمنان برای سوءاستفاده از بیماری اهالی یک روستا

با این حال اعتراض‌ها همچنان ادامه پیدا کرد تا جایی که دستمایه رسانه‌های معاند قرار گرفت؛ اعتراض‌هایی که البته از شکل عادی خود خارج و با تحریکات عوامل معلوم‌الحال در فضای مجازی و میدانی به سمت اغتشاش تغییر مسیر داد اما مردم فهیم شهر لردگان متوجه نقشه دشمن شدند.

دستگیری فرزند یک ضد انقلاب سرشناس در اعتراضات لردگان

استاندار چهارمحال و بختیاری درباره تلاش ضدانقلاب برای به انحراف کشاندن اعتراض مردمی در لردگان گفت: عموم مردم شریف لردگان همراهی و همکاری خوبی با نیروهای انتظامی و امنیتی داشته و دارند و همین عامل باعث عقیم ماندن ضد انقلاب در بین خواسته‌های مردم در این شهر شد.

اقبال عباسی دیروز با بیان اینکه اهالی چنار محمودی در تظاهرات روز شنبه شهر لردگان حضور نداشتند، افزود: متاسفانه یک خرده جریان پیچیده‌ای در دل اعتراضات مردمی به دنبال اهداف خود بوده و یکی از دستگیرشدگان فرزند یک ضد انقلاب سرشناس است.

وی با بیان اینکه اوضاع شهر لردگان عادی است، اظهار داشت: نیروهای انتظامی و مردمی در هوشیاری کامل مراقب اوضاع هستند.

لزوم ورود سریعتر دستگاه‌های مسئول

تلاش برای ایجاد اعتراض‌های خیابانی به بهانه‌ای همچون بیماری اهالی یک روستا در روزهای منتهی به اربعین حسینی و همزمان شدن با اغتشاش‌های کشور عراق که آن هم نتیجه تحریکات دشمنان است، مسئله‌ای قابل تأمل و مشکوک است. به همین دلیل در این شرایط نیاز است ضمن ورود سریعتر نیروهای امنیتی برای شناسایی و برخورد با عوامل اصلی تحریک مردم در لردگان، دستگاه قضا و وزارت بهداشت هم به سرعت زوایای پنهان این ماجرا را بررسی و اعلام کنند تا ضمن دفاع از حقوق مردم این منطقه و ارائه کامل خدمات درمانی به افراد مبتلا، بهانه سوءاستفاده از عوامل ضدانقلاب در این ماجرا گرفته شود.

روایت امیر پوردستان از شناسایی مواضع داعش با بالگرد

رئیس‌مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی ارتش گفت: من با بالگرد ۲۱۴ و امیر قربانی فرمانده فعلی هوانیروز با بالگرد کبرا ۲۰۹ در ارتفاع پایین داخل خاک عراق رفتیم و مواضع داعش را شناسایی کردیم.

امیر احمدرضا پوردستان، رئیس‌مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی ارتش در گفت‌وگو با تسنیم به شرح خاطره‌هایی از دوران مسئولیتش در نیروی زمینی ارتش پرداخته است. دوران مسئولیت امیر احمدرضا پوردستان در نیروی زمینی ارتش و همچنین جانشینی فرمانده کل ارتش همزمان شد با غائله گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق که مرزهای کشورمان را نیز تهدید می‌کردند. او دراین‌باره می‌گوید: «در حین یک جلسه همکاران گپار (گروه پشتیبانی اطلاعات رزمی) به من گفتند امیر!، داعش نزدیک مرزهای ماست، گفتم کجا هستند؟ گفتند نمی‌دانیم فقط از داخل خاک عراق به ما اطلاع دادند که داعش دارد به سمت مرزهای شما می‌آید. ما سریع جلسه را قطع کردیم، به فرماندهان گفتیم سر یگان‌هایتان بروید، با ستاد ارتش هم هماهنگ کردیم که چنین اتفاقی افتاده است، همزمان سه تیپ رزمی، دو تیپ از لشگر ۲۳، یک تیپ هم از کردستان را احضار کردیم.»

گفتم جنازه‌های ما دست آنها نیفتند

وی در ادامه گفت: «به دلیل اینکه مراقبت از مرز غرب کشور با نیروی زمینی بود نیروها را احضار کردیم تا نیروهای مرزی را تقویت کنند، گردان‌های توپخانه هم که در کردستان بود، دستور دادیم شما هم حرکت کنید و پایین بیایید. همزمان من با امیر یوسف قربانی، فرمانده پایگاه کرمانشاه که الآن فرمانده هوانیروز است، سوار بالگرد شدیم و به سرپل ذهاب رفتیم. هنوز مشخص نبود داعش کجاست. من خلبان‌ها را جمع کردم، گفتم بچه‌ها باید برویم شناسایی انجام دهیم... تا ببینیم داعش کجاست. یک گروه هم بیایند پشت خاکریز صفر مرزی بنشینند که اگر ما را زدند، جنازه‌های ما دست آنها نیفتد. برای نظام بد است که مثلاً روز اول جنازه فرمانده نیروی زمینی را نمایش بدهند.» امیر پوردستان بااشاره به مأموریت شناسایی که در خاک عراق برای اطلاع از موقعیت داعش انجام شده بود گفت: «در دو گروه به سمت مرز رفتیم، گروه اول پشت خاکریزها نشست، گروه اصلی که من خودم با بالگرد ۲۱۴ بودم و امیر قربانی و فرمانده حفاظتمان، و دو بالگرد کبرا ۲۰۹. ما با ارتفاع پایین به داخل خاک عراق رفتیم تا خانقین رفتیم و بالای خانقین چرخ زدیم، داخل خانقین نیامده بودند چون مردم آمده بودند بالای پشت‌بام‌ها و برای ما دست تکان می‌دادند. یک مقدار جلوتر رفتیم و برای ما مشخص شد که داعش در سعدیه و جلولا است.»

خط قرمز ۴۰ کیلومتر را ترسیم کردیم

وی ادامه داد: «سعدیه حدود ۲۲ کیلومتر با مرزهای ما فاصله داشت، ما برگشتیم، اطلاعات را تکمیل کردیم به خاطر اینکه یگان‌ها توجیه شوند، به تمام فرماندهان گردان و گروهان گفتیم شما بروید منطقه جلوی خودتان را شناسایی کنید، همه رفتند شناسایی کردند، دیده‌بان‌های توپخانه رفتند شناسایی کردند، با GPS نقاط را ثبت کردند، همه این موارد در عرض ۷۲ ساعت اتفاق افتاد، گردان‌های توپخانه رسیدند، ما در صفر مرزی مستقرشان کردیم، کاتیوشاها، توپخانه‌ها همه را مستقر کردیم، با نقاط ثبت تیر و با هماهنگی ستاد کل خط قرمز ۴۰ کیلومتر را ترسیم کردیم، گفتیم این خط قرمز ۴۰ کیلومتر هر کسی که بدون هماهنگی با ما بیاید، می‌زنیم.»

رئیس‌مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی ارتش اقدامات نیروی زمینی برای مقابله با خطر نفوذ داعش به مرزهای کشور را بسیار مفید دانست و تصریح کرد: «در آن موقع یک قوت خیلی خوبی نشان داده شد و در ادامه خلبان‌های بالگردها رفتند مسیر را شناسایی کردند و البته این بحث اصلاً گفته نشد. ما هم انتظار نداشتیم مطرح شود. اما نیروی زمینی اگر این اقدام بهنگام را انجام نمی‌داد، مطمئن باشید ما در قصر شیرین و سرپل ذهاب باید با داعش درگیر می‌شدیم. کار بسیار خوبی انجام شد، داعش از سعدیه و جلولا جلوتر نیامد، همان‌جا ماند. بعداً خلبانان نیروی هوایی آمدند، شناسایی کردند که بتوانند بمباران کنند. الحمدلله داعشی‌ها آنجا ماندند بعدها با فتوایی که علمای شیعه و علمای اهل سنت عراق دادند و مردم بسیج شده هجوم آوردند، داعش از سعدیه و جلولا عقب‌نشینی کرد. این اقدام نیروی زمینی کار بزرگی بود که الحمدلله در آن مقطع انجام شد.»

رهبری؛ سکان‌دار اصلی خودکفایی

امیر پوردستان در پاسخ به سؤالی در مورد خودکفایی در حوزه‌های نظامی تأکید کرد: «سکان‌دار اصلی خودکفایی در نیروهای مسلح مقام معظم رهبری است.»

رئیس‌مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی ارتش با بیان اینکه «فاصله ایده تا محصول در صنعت دفاعی بسیار کوتاه شده است» افزود: «امروزه ما در همه حوزه‌ها از جمله حوزه دفاع زمینی، دفاع دریایی و دفاع هوایی به قابلیت‌های بسیار خوبی رسیده‌ایم» و «جمهوری اسلامی تحمل پذیرش هر ضربه‌ای را دارد.»

مردم مطمئن باشند

وی همچنین گفت: «تمامی حرکات دشمنان در مرزها، منطقه و خارج از منطقه در زمین، هوا و دریا توسط سیستم‌های مختلف، هم سیستم‌های انسانی و هم تجهیزاتی، رصد می‌شود.» و «مردم مطمئن باشند نیروهای مسلح ایران غافلگیر نمی‌شوند و اگر تهدیدی بخواهد خودنمایی کند با قوت و قدرت پاسخ خواهند داد»

عارف نوجوان جبهه که سرلشکر سلیمانی روایت کرد که بود؟

با بیسیم راکال با حاج قاسم سلیمانی تماس می‌گیرد و می‌گوید «بیا اینجا». به سرلشکر سلیمانی می‌گوید «اکبر موسایی‌پور و صادقی [بچه‌هایی که برای شناسایی رفته بودند] برنگشتند.» حاج قاسم بسیار ناراحت می‌شود و می‌گوید «ما هنوز شروع نکردیم، دشمن از ما اسیر گرفت و این عملیات لو رفت» دو روز بعد مجدد با حاج قاسم تماس می‌گیرد و می‌گوید «بیا اینجا» به سرلشکر سلیمانی می‌گوید «فردا اکبر موسایی‌پور برمی‌گردد و بعدش صادقی برمی‌گردد...»

شهدا متصل به کانون حیات شده‌اند و حیات بخش جامعه انسانی‌اند. انسان بقاء خود و هر نفسی را که می‌کشد، مدیون ایثار و مجاهدت آنهاست. در میان رزمندگان، عارفان و صاحب دلانی حضور داشتند که عصاره فضیلت در جبهه‌ها بودند و در اثر طهارت روحی و تزکیه نفس، دلباخته و شیدای خدا شده بودند. آنها نقش طلایه‌داری و هدایتگری داشتند و مجرای بارش فیض الهی بودند. از کرامات آن وارستگان هرچند شنیده‌ایم و خوانده‌ایم امااشاره سرلشکر قاسم سلیمانی به یکی از این ستاره‌های پُر نور دفاع مقدس، بیننده را حیرت‌زده می‌کرد. آن شهید جلیل القدر که فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مصاحبه با دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی از او یاد کرد، نامش «حسین نادری» است.

سردار مقاومت در آن گفت‌وگو، پس از تبیین زمینه‌های وقوع جنگ ۳۳روزه، اتفاقات تکان دهنده اتاق عملیات حزب‌الله، توصیف مقام والای شهید مجاهد و مخلص «عماد مغنیه» و حالات معنوی رزمندگان حزب‌الله به روایت مقام عرفانی و زلالی روحی «شهید نادری» و تأثیر آن در صحنه مدیریت عملیات در دفاع مقدس می‌پردازد.

حاج قاسم سلیمانی می‌گوید: ما خیلی از این صحنه‌ها را در دفاع مقدس خودمان دیده بودیم... یک وقت - شاید یک سال و نیم قبل از عملیات کربلای پنج - ما در شلمچه بودیم و می‌خواستیم آنجا عملیات بکنیم و برای اینکه دشمن متوجه ما نشود، نیروهای اطلاعات عملیاتمان را مستقر کرده بودیم. مقابل ما آب بود و آن روز دو نفر از بچه‌های ما به نام حسین صادقی و اکبر موسایی‌پور به شناسایی رفتند اما برنگشتند. یک برادری ما داشتیم که خیلی عارف بود؛ نوجوان مدرسه‌ای بود، دانش‌آموز بود اما خیلی عارف بود. یعنی شاید در عرفان عملی، کم مثل او پیدا می‌شد؛ به درجه‌ای رسیده بود که بعضی از اولیا و بزرگان عرفان، بعد از مدت طولانی مثلاً هفتاد هشتاد سال می‌رسیدند. من در اهواز بودم که این برادر نوجوان ما با بیسیم راکال با من تماس گرفت و گفت «بیا اینجا». من رفتم آنجا. آن برادر ما گفت «اکبر موسایی‌پور و صادقی برنگشتند.» خیلی ناراحت شدم و گفتم «ما هنوز شروع نکردیم، دشمن از ما اسیر گرفت و این عملیات لو رفت» و با عصبانیت این حرف را بیان کردم.

موسایی‌پور فردا برمی‌گردد

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از تماس دوباره «شهید نادری» دو روز پس از این ماجرا و رفتنش نزد وی می‌گوید و می‌افزاید: وقتی اسم «حسین آقا» را می‌بردند، یک حسین آقا بیشتر نداشتیم؛ شاید صدها حسین در آنجا بودند، اما فقط یک «حسین آقا» بود. گفتم «حسین! چه شده؟» گفت «فردا اکبر موسایی‌پور برمی‌گردد و بعدش صادقی برمی‌گردد.» گفتم «از کجا می‌گویی؟» گفت «شما فقط بمانید اینجا.» من ماندم.

نماز شب روی آب

سرلشکر سلیمانی، اینجا درست از آب درآمدن پیش‌بینی غیبی «حسین آقا» را بیان می‌کند؛ ما یک دوربین خرگوشی داشتیم که دورش را گونی چیده بودیم و دژ درست کرده بودیم. برادرهای اطلاعات که پشت دوربین بودند، نزدیک ساعت یک بعدازظهر بود که گفتند یک سیاهی روی آب است. من آمدم بالا دیدم درست است؛ یک سیاهی روی آب خوابیده بود. بچه‌ها رفتند داخل آب و دیدند که اکبر موسایی‌پور است. روز بعدش هم حسین صادقی آمد. عجیب این بود که آن آب با همه تلاطماتی که داشته، این‌ها را به همان نقطه عزیمتشان برگردانده بود. هر دو در آب شهید شده بودند. خیلی عجیب بود. من به حسین گفتم «حسین! از کجا این را فهمیدی؟» گفت «من دیشب اکبر موسایی‌پور را در خواب دیدم که به من گفت: حسین! ما اسیر نشدیم، ما شهید شدیم. من فردا این ساعت برمی‌گردم و صادقی روز بعدش برمی‌گردد.» بعد حسین به من جمله‌ای گفت که خیلی مهم است. گفت «می‌دانی چرا اکبر موسایی‌پور با من حرف زد؟» گفتم نه. گفت «اکبر موسایی‌پور دو تا فضیلت داشت: یکی اینکه ازدواج کرده بود، دوم اینکه نماز شب او در آب قطع نشد. این فضیلت او بود که او آمد من را مطلع کرد.»

جوان‌ترین فرمانده گردان

خوب است، به مناسبت یادکرد حاج قاسم سلیمانی از شهید «حسین نادری» اینجا به بخشی از زندگینامه و خاطرات همرزم آن وارسته نوجوان جبهه بپردازیم. «حسین آقای جبهه» متولد ۲۰ فروردین ۱۳۴۷ در شهرستان سیرجان استان کرمان بود. پس از طی دوران دبستان و راهنمایی، در رشته علوم تجربی در دبیرستان ادامه تحصیل داد و نقش‌آفرینی مهمی در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان داشت.

فرمانده جوان

شهید عزیز، «حسین نادری» در ۱۵ سالگی وارد جبهه شد و در گردان‌های رزمی سازماندهی و وارد سازمان ادوات شد. تدبیر، شجاعت و قدرت بالای تصمیم‌گیری «حسین» در کنار تعبد و اخلاصش، سبب شد او جانشین گردان ضد زره، فرمانده گردان ضد زره و جانشین عملیات تیپ ادوات شود. این شهید واصل و عارف پس از آن و در حالیکه ۱۸ سال داشت، فرمانده گردان ۴۱۶ عاشورای لشکر ۴۱ ثارالله شد. به همین دلیل از او به‌عنوان جوان‌ترین فرمانده گردان نیروی زمینی سپاه یاد می‌شود.

اینجا را با خون شهدا گرفتیم از دست نمی‌دهیم

همرزم این شهید والامقام می‌گوید: آتش عراق خیلی زیاد بود. دستور عقب‌نشینی رسیده بود و بچه‌ها آمده بودند عقب، ولی حسین حاضر نمی‌شد برگردد، یوسف رفت سراغش و گفت؛ بیا برویم عقب، حسین گفت؛ نه من عقب نمی‌آیم، ما اینجا را با خون شهدا گرفتیم و به این راحتی از دست نمی‌دهیم.

وی ادامه می‌دهد: یوسف که دید حسین به هیچ قیمتی حاضر به برگشتن نیست، رفت پیش روحانی گردان و از او کمک خواست. حاج آقا انصاری خودش را به حسین رساند و به خون حاج آقا مهدی زندی‌نیا قسمش داد؛ تا راضی شد برگردد عقب.

شهید حسین نادری با ناراحتی برمی‌گشت عقب. چند قدم که برمی‌داشت، نگاهی به پشت سرش می‌انداخت و به پهنای صورت‌اشک می‌ریخت و می‌گفت؛ ما اینجا را با خون شهدا گرفتیم و به این راحتی از دست نمی‌دهیم.

معاون عراقی حسین آقا!

همرزم «شهید نادری» خاطره دیگری نیز بیان می‌کند؛ شهید «حسین نادری» شوخ طبع بود، روز اول عملیات کربلای یک، بچه‌ها یک عراقی را اسیر کردند. حسین، اسیر عراقی را می‌نشاند کنار دست خودش توی جیپ و می‌رفت کارهایش را توی خط انجام می‌داد. در چند روزی که اسیر عراقی همراه حسین بود، هر کس از حسین می‌پرسید این کیه؟ می‌خندید و می‌گفت؛ معاونم هست. اسیر عراقی آن‌قدر تحت تأثیر رفتار و اخلاق حسین قرار گرفته بود که وقتی حسین پشت قبضه ۸۲ می‌نشست تاتانک‌های عراقی را بزند، می‌رفت و برایش مهمات می‌آورد و با دست خودش می‌گذاشت توی قبضه و شرایط را برای شلیک قبضه ۸۲ آماده می‌کرد و حسین هم‌تانک‌ها را هدف قرار می‌داد.

«حسین آقای جبهه» سپیده‌دم روز یکشنبه ۲ مرداد ۱۳۶۷ در عملیات بیت المقدس ۷ وقتی که ۲۱ سال داشت، در سرزمین مقدس شلمچه شهادت را در آغوش کشید. خون آن شهیدان عظیم القدر امروز، موجب رویش جوانان مؤمن انقلابی شده است که از ایران، افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه و بحرین تا یمن، فلسطین، لبنان، نیجریه و کل پهنه جهان در راه دفاع از اسلام و انقلاب و ولایت تا آخرین نفر و تا آخرین سنگر ایستاده‌اند و با مجاهدت‌شان خواب مستکبران را آشفته کرده‌اند. آنها چشم و دل به لسان مقتدای انقلاب، امیدوارانه پیش می‌روند تا زمینه را برای طلوع خورشید ولایت عظمی فراهم سازند.

همزمان با آزادی ۲ شهروند استرالیایی

یک ایرانی پس از ۱۳ ماه اسارت در استرالیا آزاد شد

«ماریس پین» وزیر خارجه استرالیا اعلام کرد که ۲ شهروند از سه شهروند این کشور که در ایران بازداشت بودند، آزاد شده‌اند، این افراد به جرم عکسبرداری از مناطق نظامی بازداشت شده بودند، همچنین یک ایرانی که ماه‌ها در استرالیا زندانی بود نیز آزاد شد.

به گزارش شبکه «بی‌بی‌سی»، وزیر خارجه استرالیا با اعلام این خبر عنوان کرد که «جولی کینگ» یک زن بریتانیایی- استرالیایی و «مارک فرکین» نامزد استرالیایی او که اوایل سال جاری میلادی در ایران بازداشت شده بودند، آزاد شدند. با این حال نفر سوم به نام «کیلی مور گیلبرت» که تابعیت بریتانیایی- استرالیایی دارد، همچنان در بازداشت به سر می‌برد.

پیش از این، «غلامحسین اسماعیلی» سخنگوی قوه قضائیه اواخر شهریورماه درخصوص بازداشت سه تبعه استرالیایی با تأیید این خبر گفته بود: «این موضوع صحت دارد و این افراد در ۲ پرونده هستند و هر ۲ منتهی به صدور کیفرخواست شده است. در یک پرونده ۲ نفر مبادرت به عکسبرداری از مناطق نظامی و ممنوعه با هلی‌شات کردند که این عکس‌ها در حافظه دوربین کشف شده و وجود دارد. در پرونده دیگر موضوع جاسوسی برای کشور دیگری است و دادگاه قضاوت می‌کند که این فرد مجرم هست یا خیر.»

به گزارش فارس، وزیر خارجه استرالیا همچنین در جمع خبرنگاران اعلام کرد که «با آرامش خاطر» اعلام می‌کند که جولی کینگ و مارک فرکین «آزاد شده و به استرالیا بازگشته‌اند.»

پین تأیید کرد که گیلبرت همچنان در بازداشت است و محکومیت ۱۰ سال حبس برای وی صادر شده و افزود: مذاکرات زیادی با مقام‌های ایرانی برای آزادی این ۲ شهروند استرالیایی انجام شده است. وزیر خارجه استرالیا در ادامه تصریح کرد که همچنان برای آزادی سومین شهروند خود که به جرم جاسوسی در ایران در بازداشت به سر می‌برد، تلاش خواهد کرد.

تقریبا همزمان با اعلام آزادی ۲ استرالیایی در ایران، خبر آزادی یک زندانی ایرانی در استرالیا نیز در رسانه‌ها منتشر شد.

رضا دهباشی کیوی، دانشجوی مقطع دکترا در دانشگاه کوئینزلند استرالیا حدود ۱۳ ماه پیش به اتهام نقض تحریم‌های ایران بازداشت شد. دولت استرالیا مدعی شده بود که او تجهیزات راداری پیشرفته نظامی را خریداری و از طریق دوبی به ایران ارسال کرده بود. از این رادارها برای شناسایی موشک و رهگیری جنگنده‌های رادارگریز استفاده می‌شود.

به گفته خبرگزاری صدا و سیما، دولت استرالیا بنا داشته دهباشی را به آمریکا تحویل بدهد. چند روز پیش نیز یک شهروند ایرانی دیگر به نام نگار قدس‌کنی که به اتهام نقض تحریم‌ها علیه ایران در استرالیا به اسارت درآمده و به آمریکا مسترد شده بود، پس از آزادی در آمریکا به ایران بازگشت.

نگاهی به دیروزنامه‌های زنجیره‌ای

دغدغه اغلب اعضای لیست امید مطالبات مردم نبود

سرویس سیاسی ـ

یک روزنامه حامی دولت بااشاره به اینکه اگر دولتی در حوزه اجرایی خود فقط بتواند مدیریت مناسبی در حوزه نقدینگی انجام داده باشد، بیش‌از نیمی از راه را پیموده است، نوشت: شاید بتوان آنچه را که امروز در حوزه نقدینگی افسار گسیخته و سرگردان مشاهده می‌کنیم، تحت تاثیر حضور نابلدان اقتصادی در حوزه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی اقتصاد کلان کشور دانست، کسانی که هنوز هم گمان می‌کنند این معضل با مصوبه‌ها و قوانین و دستورالعمل‌های کوتاه مدت، بدون ریشه‌یابی معضل، قابل‌حل است.

روزنامه دنیای اقتصاد دیروز طی یادداشتی درباره لزوم هدایت غول نقدینگی به چرخه تولید و فعالیت‌های مولد، نوشت: «برای شناخت یکی از بزرگترین تهدیدات در حوزه اقتصاد، لازم نیست که شما یک اقتصاددان باشید. به‌عبارت دقیق‌تر در سال‌های اخیر کسانی که حتی مقاله‌های اقتصادی را تورق کرده بودند، می‌توانستند دریابند که به‌زودی بهمنی راه می‌افتد و هر آنچه در مسیرش باشد را، تغییر شکل می‌دهد. اما هشدارهای فریادگونه اقتصادیون به سیاسیونی که در عمل اقتصاد را به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم قبول ندارند، نیز بی‌تاثیر بود تا این بمب ساعتی هر روز پیچیده‌تر از گذشته، امروزه با حجمی بالغ بر بیش از یک هزار و هفتصد هزار میلیارد تومان، مانند ارثیه‌ای نحس و ناخواسته از دولتی به دولت دیگر منتقل شود.»

این روزنامه ادامه داد: «واقعیت این است که اهمیت بالای نقدینگی و رابطه مستقیم آن با تورم (نظریه مقداری پول) و به تبع آن تاثیر مستقیم آن بر معیشت مردم، به جایی رسیده که اگر دولتی در حوزه اجرایی خود فقط بتواند مدیریت مناسبی در حوزه نقدینگی انجام داده باشد، بیش از نیمی از راه را پیموده است. شاید بتوان آنچه را که امروز در حوزه نقدینگی افسار گسیخته و سرگردان مشاهده می‌کنیم، تحت تاثیر حضور نابلدان اقتصادی در حوزه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی اقتصاد کلان کشور دانست، کسانی که هنوز هم گمان می‌کنند این معضل با مصوبه‌ها و قوانین و دستورالعمل‌های کوتاه مدت، بدون ریشه‌یابی معضل، قابل‌حل است... [اینکه] در جلوگیری از خلق و رشد این مشکل، ناتوان بوده‌ایم، باید ببینیم چگونه می‌توانیم با مدیریت و هدایت صحیح آن، این اسب سرکش را مهار کنیم.»

دنیای اقتصاد افزود: «با توجه به فرض عقلایی بودن رفتار صاحبان سرمایه و نقدینگی، حرکت آنان به سمت بازارهای جذاب از نظر میزان بازده و اصل نقدشوندگی، اصلی خدشه ناپذیر است. در واقع این سرمایه سرگردان است که به‌دنبال بازارهای جذاب، از جایی به جای دیگر کوچ کرده و در این بین خرابی‌های ناشی از این سیل، عموما سهم اقشار متوسط و آسیب‌پذیر می‌شود. براساس این واقعیت، می‌توان مسیری روشن و صحیح برای هدایت نقدینگی به سمت چرخه تولید و فعالیت‌های مولد، ترسیم کرد تا آثار مخرب و منفی آن به رشد و توسعه اقتصاد و صنعت و ایجاداشتغال بینجامد. در واقع می‌توان عنوان کرد که این فعلی است که باید از سوی سیاست‌گذاران مورد توجه ویژه قرار گیرد. به‌طور قطع می‌توان با اعمال سیاست‌های تشویقی برای حضور افراد در بورس و سرمایه‌گذاری در سهام صنایع گوناگون و در مقابل افزایش هزینه حضور در بازارهای سفته بازی و سوداگرانه، سهم بازار سرمایه را در کیک نقدینگی افزایش داد.»

فرار از پاسخگویی

روزنامه آرمان در مطلبی نوشت: «اصلاح‌طلبان برای حضور گسترده در انتخابات با مسئله بررسی صلاحیت‌ها و مسائل نظارتی روبه‌رو هستند... این تردید وجود دارد که چهره‌های اصلی اصلاح‌طلب نتوانند به طور صددرصدی برای تایید صلاحیت از فیلترهای نظارتی اطمینان داشته باشند. حتی این نگرانی و تردید به حدی است که انتساب برخی نامزدها به جریان اصلاح‌طلب در ایام انتخابات و پیش از ثبت‌نام‌ها دغدغه‌آور و دارای هزینه است.»

این روزنامه اصلاح‌طلب در ادامه نوشت: «اگر ائتلاف انتخابات ۹۴ با اعتدالگرایان و نتایج کسب شده از آن را مدنظر قرار دهیم در می‌یابیم که برای تاثیرگذاری بیشتر در مجلس و پیگیری موثر مطالبات مردم باید نمایندگانی به مجلس راه یابند که دغدغه اصلاح‌طلبی و مطالبات مردم را داشته باشند. در حالی که بسیاری از آنهایی که با لیست امید وارد مجلس شدند، از این دغدغه بی‌بهره بودند و لیست امید تنها نردبان ورود آنها به خانه ملت بود.»

مدعیان اصلاحات در سال ۹۴ و پس از اعلام نتایج انتخابات مجلس شورای اسلامی، جشن و پایکوبی به راه انداخته و اعلام کردند که اصلاح‌طلبان مجلس را فتح کردند. اما اعضای لیست امید که تحت عنوان فراکسیون امید در مجلس مشغول به کار بودند، به هیچ عنوان کارنامه قابل قبولی ارائه ندادند. حالا مدعیان اصلاحات برای فرار از پاسخگویی درباره کارنامه لیست امید و فراکسیون امید، به فرافکنی روی آورده‌اند. شانه خالی کردن از مسئولیت، جزو لاینفک رفتار مدعیان اصلاحات است.

این طیف در پی آن است تا با حمله به شورای نگهبان بر ناکارآمدی خود سرپوش بگذارد. لازم به ذکر است که در انتخابات شورای شهر، پروسه نظارت استصوابی شورای نگهبان وجود ندارد. با این‌حال، به اذعان فعالین اصلاح‌طلب، شورای شهر پنجم تهران که تمامی اعضای آن اصلاح‌طلب هستند یکی از ناکارآمدترین شوراهای شهر است.

ناکارآمدی داخلی؛ بحران اصلاح‌طلبان

محسن هاشمی، رئیس‌شورای شهر تهران و عضو حزب کارگزاران طی یادداشتی در روزنامه سازندگی نوشت: «اینکه اصلاح‌طلبان پس از چند پیروزی پیاپی در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شورای شهر، به این نتیجه برسند که حضور آنها در حاکمیت نفعی برای این جریان و جامعه ندارد نشان از این می‌دهد که اصلاح‌طلبان نه از توانمندی‌های خود ارزیابی درستی داشته‌اند و نه از شرایط جامعه و حاکمیت.»

انتقاد هاشمی به طرح «مشارکت مشروط» حجاریان

در این یادداشت همچنین آمده است: «مگر یک جریان سیاسی می‌تواند در صحنه حضور داشته باشد و با انتخابات قهر کند؟ اگر یک جریان سیاسی بخواهد از حاکمیت و رقابت‌های رسمی خروج کند، چه تفاوتی با تجدیدنظرطلبان دارد؟ امروز نیاز اصلاح‌طلبان به مهندسی مجدد و راهبردی راهگشاست نه تکرار ایده‌های شکست‌خورده قبل... اطمینان دارم اگر امروز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی میان ما بودند با ایده‌هایی نظیر خروج از حاکمیت، قهر با انتخابات، یا حضور مشروط همراهی نمی‌کردند و همه نیروهای سیاسی را به حضور در صحنه و استفاده از توانایی خود جهت حل مشکلات کشور و مردم دعوت می‌کردند.»

هاشمی نوشته است: «بحران امروز اصلاح‌طلبان ناکارآمدی داخلی است و ریشه آن نیز در نگاه سیاسی به مسائل اجرایی و عدم توجه به واقع‌گرایی و عمل‌گرایی است اگر ما با همین وضعیت موجود در انتخابات مجلس خود را به رأی مردم بگذاریم اگر نگوییم با شکست، دست‌کم با کاهش موفقیت مواجه می‌شویم و اگر از انتخابات قهر کنیم یا حضور مشروطی که شرط‌های آن برآورده نمی‌شود را بگذاریم از عرصه رسمی سیاست که با زحمات زیاد پس از حوادث ۸۸ به آن برگشته‌ایم حذف می‌شویم. پس راه‌حل نه حفظ روند فعلی و نه قهر با صندوق رأی است بلکه باید در شیوه و عملکرد خود تجدیدنظر کنیم.»

افکار عمومی به ناکارآمدی اصلاح‌طلبان انتقاد دارند

در بخش دیگری از این مطلب آمده است: «بخش مهمی از انتقاداتی که امروز افکار عمومی از اصلاح‌طلبان دارند این نیست که چرا مقابل حاکمیت کوتاه می‌آیید، بلکه به ناکارآمدی، فقدان شایسته‌سالاری و کارآمدی انتقاد دارند.»

لازم به یادآوری است که کارگزاران با رادیکالیزه کردن فضای سیاسی از سوی برخی اصلاح‌طلبان به‌ویژه سعید حجاریان به‌شدت مخالفند. به‌طور مثال علاوه‌بر محسن هاشمی، حسین مرعشی سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی ۲۹ مردادماه سال جاری در گفت‌وگویی، سعید حجاریان را «رادیکال» خوانده بود و غلامحسین کرباسچی، دبیرکل این حزب نیز ۱۹ شهریور سال جاری در مصاحبه با اعتماد گفته بود: «تحریم انتخابات و حضور مشروط نشانه سردرگمی است و نتیجه معکوس دارد.»

امید دادن یا ناامید کردن مردم؟!

روزنامه اعتماد روز گذشته تیتر و عکس یک خود را به موضوع حضور زنان در ورزشگاه و اختصاص سه سکوی بنفش از سوی دولت برای زنان در دیدار آتی تیم ملی فوتبال ایران و کامبوج اختصاص داد و نوشت: «کمتر از یک هفته تا روز پنجشنبه ۱۸ مهرماه مانده است و از همین حالا می‌شود گفت که باز هم موضوع حضور رسمی زنان در آزادی قرار است بر اصل مسابقه سایه بیندازد. تا آن روز البته بحث‌ها و گاه جدل‌ها و گمانه‌زنی‌ها در مورد پنجشنبه‌ای که قرار است بیاید ادامه پیدا خواهد کرد. هنوز اینکه ورود به جایگاه تماشاگران در عمل چگونه مدیریت خواهد شد و زنان باید انتظار چگونه برخوردها و احیانا مقاومت‌هایی را داشته باشند در ذهن‌ها هست. هنوز گام‌های بعدی و به واقعیت پیوستن حضور بدون مسئله زنان تماشاگر در بازی‌های باشگاهی و در استادیوم‌هایی غیر از استادیوم آزادی باقی می‌مانند تا دیدن آنچه واقعا عملی می‌شود، جشن خرید بلیت آزادی در شبکه‌های اجتماعی برپا است.»

در این میان پرسشی که به اذهان متبادر می‌شود آن است که آیا این رفتارهای روزنامه‌های زنجیره‌ای، ارتباطی هم به کارنامه خالی از خدمت و پر خسارت برخی مدیران دارد؟ به انتخابات چطور؟ و یا سناریوی بدخواهان برای ایجاد دوقطبی‌های دروغین و درگیری و تنش سیاسی؟! قرار است با این روند فرصت‌سوزی و حاشیه‌سازی که حالا وارد هفتمین سال شده، به کدام اولویت‌ها و نیازهای مشروع جوانان دهن‌کجی شود؟ جوانان بدین ترتیب، شاد می‌شوند یا نا امید و عصبانی و عاصی؟

اگر از مادران، زنان و دختران جوان نظرسنجی شود که «به نظر شما، اولویت‌ها کدام است؟»، چند درصد پاسخ می‌دهند «اشتغال، ازدواج جوانان و تامین مسکن»؟ و از هر چند ده هزار نفر، ممکن است یکی بگوید اولویت من، «بردن زنان به ورزشگاه است»؟!

ادعای مضحک تحریم‌کنندگان انتخابات

روزنامه شرق دیروز در سرمقاله خود ادعایی را مطرح کرد که با توجه به عقبه جناح‌های سیاسی کشور خنده دار و مضحک می‌نماید.

در سرمقاله این روزنامه آمده است: «بازگشت مردم به «زیست‌سیاست» کار دشواری است، اما این بازگشت برای همه جناح‌های سیاسی به یک اندازه در اولویت نیست؛ حتی برخی جناح‌ها از وضعیت موجود خرسندند، خاصه اصولگرایانی[!!] که چند دهه بر سیاست‌های منطقه‌ای ایران و نفوذ هرچه بیشتر آن پافشاری می‌کنند. در این جناح‌ها چندان دغدغه بازگشت مردم به سیاست وجود ندارد؛ آنان در یک چشم‌انداز کلی انتخابات حداقلی را می‌پسندند که مورد قبول جامعه جهانی هم باشد[!!]»

ادعای روزنامه شرق در مورد رضایت اصولگرایان از وضع موجود نیازی به پاسخ و آوردن مصادیق ندارد، چرا که اصلی‌ترین و شاید تنها طیف سیاسی کشور که به عنوان منتقد اصلی وضع موجود شناخته می‌شود اصولگرایان هستند.

اما درباره ادعای انتخابات حداقلی که مورد پسند اصولگرایان است باید گفت ای کاش نویسنده پیش از نوشتن این سطرها که بیشتر به انکار گذشته مشغول گشته‌اند، به مرور مواضع طیف‌های سیاسی کشور در مورد انتخابات می‌پرداخت.

یک روزنامه طیف موسوم به اصلاح‌طلب که سابقه فراوانی در مورد تحریم انتخابات و یا انتخابات مشروط دارد مدعی شده که آن یکی جریان (یعنی اصولگرایان) که هیچ‌گاه دعوی تحریم انتخابات نداشته‌اند، خواهان و دوستدار انتخابات حداقلی هستند! عجبا...!